

نکاتی پیرامون رفراندم

رفراندم رفراندم بلای جان مردم انقلاب انقلاب راه نجات مردم

قبل از پرداختن به اصل مسئله توضیح نکاتی چند خالی از فایده نیست. مارکس بعنوان بزرگترین متفکر دوران در تفکر بشری انقلابی عظیم ایجاد کرد.

مارکس با مطالعه گسترده تاریخ فلسفه، جامعه شناسی از دوران قرون وسطی تا زمان خودش، موفق به کشف ماتریالیسم تاریخی گردید. و با کشف تاریخی اش نشان داد، تاریخ را توده های رنج و کار در پروسه مبارزات طبقاتی خویش می سازند.

نشان داد سازندگان واقعی تاریخ توده های مردم هستند - نه شاهان و حکامان زمانه، آنطوریکه بورژوازی سعی دارد توسط ماشین عظیم تبلیغاتی و از طریق کتب آموزشی در اذهان عمومی نهادینه کند. امری که همواره چنین کرده و میکند.

مارکسیسم با کشف ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیکی نشان داد که: انقلابیون و اندیشمندان پرولتری اگر می خواهند دچار اشتباه نشوند و راه درست را به توده ها نشان دهند، می باید پدیده ها را در شرایط تاریخی مورد ارزیابی قرار دهند. در برخورد به مسائل اجتماعی؛ جنبه تاریخی، ارتباط متقابل و تضادها، ریشه طبقاتی و تجارب تاریخی را همواره مد نظر قرار دهند.

یکی از تضادهای اساسی دوران، تضاد بین کار و سرمایه است. جامعه سرمایه داری که از بطن جامعه فنودالی بیرون آمده و هنگامی که به سیستم معین مناسبات اجتماعی تبدیل شد، با وجود آوردن کارگران صنعتی، ضد خودش را ایجاد نمود. و از آن زمان به بعد این مبارزه بین اضعاد، در پیکر مبارزه پرولتاریا با بورژوازی در نظامات سرمایه داری وجود داشته است.

علت اصلی این مبارزه دائمی؛ جدایی کار از سرمایه یا به بیان دیگر، جدایی بین نیروی کار (تولید کنندگان- کارگران) از وسایل تولید (ابزار های تولیدی- سرمایه) می باشد.

در جامعه سرمایه داری تمامی وسائل تولید خصوصی و متعلق به سرمایه داران است. در حالی که نیروی کار اجتماعی و متعلق به کارگران می باشد.

منبع سرمایه اجتماعی در هر جامعه ای (سرچشمه ثروت های اجتماعی)، نیروی کار اجتماعی کارگران می باشد. در حالی که این ثروت ها بعد از تولید شدن به جیب مشت اقلیتی از سرمایه داران می رود و اکثریت آفرینندگان واقعی آن، از آن محروم هستند.

لذا نتیجه این خصلت مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و نیروی اجتماعی کار؛ مبارزه دائمی آشکار و پنهان بین نیروی کار و سرمایه در طول تاریخ بوده و خواهد بود. و راه حل علمی و عقلانی این تضاد، انقلاب سوسیالیستی می باشد.

تضاد دوم: تضاد بین دستجات مالی و انحصارات کشورهای امپریالیستی است. این تضاد که ذاتی و ناشی از رشد ناموزون اقتصادی و سیاسی مناسبات سرمایه داری است و هدف اصلی آن؛ تصرف بازارهای جدید - نیروی کار ارزان و مواد منابع خام جدید، بمنظور کسب سود حداکثر برای انحصارات مالی امپریالیستی می باشد.

تضاد سوم: تضاد میان امپریالیسم و ملیونها توده های مردم در کشورهای عقب نگه داشته شده می باشد. تضادی که بیانگر رشد یک قطب در ازای عقب نگه داشتن قطب دیگر است. امری که طبق تجربه تاریخ؛ همواره برپایی سرمایه و امپراطوری سرمایه داران براساس نابودی و به بردگی کشیدن ملیونها انسانهای رنج و کار استوار بوده است.

حال با توجه به سه تضاد اساسی دوران می توان پدیده های اجتماعی و از جمله مسئله رفراندم را مورد قضاوت و داوری قرار داد و اتخاذ موضع نمود.

در مورد رفراندم آینده مردم ایران بطور کلی دو نوع دیدگاه در مقابل هم قرار دارند. دیدگاهی که به انقلاب اعتقاد دارد و دیدگاهی که با رفرم از بالا خواهان تغییر رژیم می باشد.

دیدگاه اول:

با توجه به مناسبات سرمایه داری و تضاد اصلی جامعه (بین کار و سرمایه) ، و تاثیر متقابل تضاد های بین المللی بر تضاد داخلی ؛ تنها راه رهایی را در انقلاب سوسیالیستی می داند . چرا که اعتقاد راسخ دارد (با در نظر گرفتن تجارب تاریخی) هرگز رژیم سرمایه داری با میل خویش قدرت سیاسی را به نمایندگان واقعی مردم ، که از طریق انتخابات عمومی آزاد برگزیده شده است ، تحویل نخواهد داد . در این زمینه حتی یک نمونه در طول تاریخ بشری وجود نداشته است که بتوان بر آن تکیه داشت . طرفداران انقلاب سوسیالیستی با تکیه بر **توده های مردم** ، اعتقاد دارند تنها ضامن پیروزی . " رفراندم عمومی " ، شرکت گسترده توده ها در عرصه مبارزات اجتماعی- سیاسی تحت رهبری یک آلترناتیو قدرتمند پرولتری می باشد .

نا گفته پیداست در شرایط یک رژیم سرمایه داری و بطور مشخص رژیم جمهوری سرمایه دارانه اسلامی ایران ، برگزاری یک رفراندم عمومی آزاد امکان پذیر نیست . و هرگز رژیم ضد انسانی اسلامی (با در دست داشتن ماشین عظیم نظامی - بوروکراسی) اجازه برگزاری چنین رفراندمی را به مخالفین خویش نخواهد داد . و با هزاران ترفندهای زبردستانه و موانع عملی از انجام آن با تمام قدرت جلوگیری خواهد نمود . بقول معروف شیشه عمر خویش را به راحتی در اختیار مخالفین طبقاتی اش قرار نخواهد داد .

بنابراین با در نظر گرفتن تضاد اصلی موجود در جامعه و راه حل آن باید در عرصه مبارزه طبقاتی توجه داشت ، آن چیزی که مطلوب ما است یک روی سکه و آن چیزی که واقعیت کنونی است روی دیگر سکه می باشد .

بدین معنی که مطلوب مارکسیت - لنینیست ها از مبارزه طبقاتی برقراری جامعه کمونیستی است . جامعه ای که در آن استثمار و ستم طبقاتی وجود نداشته باشد . ولی اکنون با توجه به واقعیت های طبقاتی موجود در جامعه (نبود یک آلترناتیو قدرتمند پرولتری) ، تحقق این مطلوب امکان پذیر نیست . معذالک این امر بدان معنی نیست که چون این امکان در شرایط کنونی وجود ندارد ، پس ما از شرایطی که می تواند منجر به فضایی بازتر گردد ، نباید استقبال کنیم . و از آن (با برخوردهای چپ روانه) چشم پوشی کنیم .

انقلابیون واقعی از هر شرایط دمکراتیک ولو بسیار کوچک که منجر به فضایی گردد که بتوان در بستر این شرایط بوجود آمده ؛ آزادتر ، با مشکلات کمتر و با قربانی دادن کمتر مبارزات طبقاتی (که همانا مبارزات سیاسی است) را یک گام بجلو برد ، استقبال می کنند . چراکه در چنان شرایط بهتر می توان شعارها و خواسته های زحمتکشان را مطرح و بمیان مردم برد . و راحت ترمی توان نیروی رنج و کار را حول شعارها و خواسته هایشان بسیج و سازماندهی کرد . لذا انقلابی ترین نیروی جامعه یعنی طبقه کارگر توسط حزب پیشاهنگ اش با تمام توان جهت پیدایش چنین فضایی برای گسترش مبارزاتش کوشش خواهد نمود .

بدیهی است در تمامی مراحل مبارزه حزب طبقه کارگر با حفظ موازین سیاسی و سازمانی خویش بدین عمل مبادرت خواهد کرد و نه با پا گذاشتن بر روی اصول اساسی مبارزه طبقاتی . یکی از اصول مبارزه طبقاتی دوران (با توجه به تضاد بین امپریالیست ها و میلیاردها انسانهای تحت ستم) ، مبارزه علیه انحصارات امپریالیستی است . انحصاراتی که نه تنها بر اقتصاد بلکه بر سیاست ، فرهنگ و حتا امنیت کشورها تصمیم می گیرند .

در شرایط کنونی مبارزه راستین علیه رژیم ضد انسانی و غارتگر جمهوری اسلامی جدا از مبارزه علیه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا نمی باشد .

امپریالیست ها در طول تاریخ همواره حامی و پشتیبان رژیم های ارتجاعی بوده و خواهند بود . رژیم های سرمایه داری چون ایران از نظر اقتصادی جزو حلقه های زنجیر سرمایه بین المللی می باشند . تجاوز امپریالیسم به یوگسلاوی سابق - افغانستان و عراق بهترین نمونه های تاریخی بیان ماهیت انحصارات امپریالیستی در جهان کنونی است .

آزادی و دمکراسی هرگز در ماهیت امپریالیسم یافت نمی شود بلکه برعکس ماهیت و سرشت آنان ضد انسانی و انسان کش است و نباید کوچک ترین شک و شبهه ای بخود راه داد و دچار توهم گردید . نباید

هرگز آنها (امپریالیست ها) را به بد و خوب تقسیم کرد و تصور نمود که می شود با کمک امپریالیست ها راه نجاتی برای مردم یافت .
سرمایه داری و آخرین مرحله آن امپریالیسم ؛ یعنی تجاوزگری ، اشغالگری ، غارتگری جهت کسب حداکثر سود برای انحصارات سلاطین مالی . یعنی نابودی انسانها ، به بند کشیدن انسانها و استثمار وحشیانه آنهاست .

در نتیجه اگر نخواهیم در مبارزه سیاسی دچار اشتباه فاحشی گردیم هرگز نباید این تضاد اساسی دوران را در محاسبات سیاسی خود فراموش کنیم . نباید فراموش کنیم که ؛ مبارزه علیه هر رژیم ارتجاعی نمیتواند جدا از مبارزه علیه امپریالیسم باشد .

با اعتقاد بر این امر ، تنها جریانی که خواهد توانست ماهیت امپریالیسم را که در پس شعارهای عوام فریبانه ؛ " دفاع از آزادی " - " دفاع از حقوق بشر " - " دفاع از حق تعیین سرنوشت خلقها " و قرار دارد ، افشاء گرداند ، تشکلی است که به سوسیالیسم علمی احاطه داشته و با در دست داشتن چنین قطب نمایی قادر گردد ، مسیر درست مبارزه را در عمل به مردم نشان دهد و جنبش زحمتکشان را از انحرافات برحذر دارد .

بدون کم بها دادن به مبارزات تشکل های سیاسی (و نه جریانات مزدور و ضد انقلابی) که با هدف آزادی و بهروزی مردم ایران انجام می گیرد ، باید نهایت کوشش را با استفاده از تجربه های تاریخی در یافتن راه درست مبارزه با دردهای کمتر و مشکلات کمتر بکارگیریم .

نکاتی پیرامون رفرم در دوران برگزاری رفراندم :

نکته مهم دیگری که باید در بستر همین مبارزات طبقاتی مد نظر داشت در مورد رفرم است . هرگونه رفرمی که حاصل مبارزات مستقیم مردم در عرصه اجتماعی - سیاسی جامعه باشد و رژیم ها را مجبور به عقب نشینی گرداند دارای هسته ای ترقی خواهانه و بالنده می باشد . و گامی در جهت فضای بازتر و گسترده تر برای پیش برد مبارزه سیاسی است . انقلابیون و آزادیخواهان واقعی باید از این رفرم ها که حاصل مبارزات مردم است ، نهایت استفاده را در جهت تحقق خواسته های توده ها بکارگیرند . این گونه رفرم ها ناشی از قدرت و نیروی لایزال مردم در صحنه مبارزه می باشد .
عموماً رژیم های ارتجاعی و ضد انسانی بخاطر حفظ پایه های حکومت ظالمانه خویش که آنرا در معرض خطر سرنگونی می بینند ، ناچاراً بدین رفرم ها تن می دهند و این عمل همواره توسط بخش های دوراندیش جناحهای رژیم انجام می گردد . بنابراین نباید فراموش کنیم این گونه **رفرم** ها حاصل مبارزات توده هاست و نه بیان ماهیت دمکراتیک رژیم و یا بخش هایی از جناحهای آن . امری که توسط توده ای - اکثریتی ها و اخیراً جمهوریخواهان کنفرانس برلین و ... تبلیغ می گردد و سعی دارند با تقسیم رژیم به بد و خوب ، این گونه رفرم ها را از بالا و حاصل کار جناح باصطلاح دمکراتیک رژیم در اذهان عمومی قالب کنند . و امکان انجام آنرا در معیت امپریالیست ها و زیر نظر سازمان ملل به مردم ایران وعده میدهند .

در واقع این حضرات (جریانات ضد انقلابی) می خواهند مبارزات مردم را وجه المصالحه سازش خویش با امپریالیست ها و جناحی از رژیم ، قرار دهند . می خواهند از مردم بعنوان گوشت دم توپ استفاده کنند .

روشن است هر چه این مبارزات از شدت و درجه بالاتری برخوردار باشد ، یعنی هر چه شرکت مردم در صحنه مبارزه بیشتر باشد ؛ فضای بوجود آمده (رفرم ناشی از این مبارزه) در جامعه بازتر و گسترده تر خواهد بود و نیروهای انقلابی و آزادی خواهان واقعی موثرتر می توانند از آن در جهت خواسته های زحمتکشان بهره برداری کنند . بویژه در جامعه ایران که هم اکنون چنین شرایطی موجود نیست و باید برای برقراری آن مبارزه جانانه کرد .

دیدگاه دوم :

در مقابل این رفرم که حاصل مبارزات مردم است ، رفرمی هم از بالا توسط بخشی از جناحهای هیأت حاکمه بطور مشخص در ایران توسط جناح باصطلاح اصلاح طلب (امری که توده- اکثریتی ها- جمهوریخواهان و ... تبلیغ میکنند) ، یا توسط امپریالیستهای اروپایی (مثلث انگلیس ، آلمان و فرانسه

در صدد هستند از طریق دیالوک با جناح اصلاح طلب حکومتی بدان دست رسی پیدا کنند) و یا توسط امپریالیسم آمریکا (با طرح رفراندوم : با تغییر بخش هایی از رژیم و کنار آمدن با بخش های دیگر آن) در بوق تبلیغاتی اشان دمیده میشود .

در این گونه رفرم های طراحی شده از بالا که بمنظور فریب مردم بکار می رود ، هیچ گونه قطرات ترقی خواهانه و مثبت وجود ندارد . در واقع این گونه رفرم ها در جهت تحمیق هر چه بیشتر مردم و حفظ رژیم های سرمایه ، علیه نیروی رنج و کار در جامعه پیاده می شود ، که هدفش بستن قرارداد های اسارت بارتر با رژیم سرمایه بمنظور غارت هر چه بیشتر دست رنج زحمتکشان می باشد . نمونه های این گونه رفرم ها در تاریخ فراوانند .

حال با توجه به نکات توضیح داده شده ، می تواند ، این سؤال مطرح گردد : اگر انتخاباتی در ایران بر اثر فشار امپریالیست ها انجام شود (که صد البته تحت نظارت سازمان ملل) ، سرنوشت این مبارزات طبقاتی در پرتوی یک حکومت ائتلافی آینده چه خواهد شد - به بیان دیگر : مبارزات طبقاتی را در فردای یک حکومت ائتلافی چگونه باید دید ؟

اولاً باید در نظر داشت تا هنگامیکه نظام جمهوری اسلامی بر مسند قدرت قرار دارد ، تا زمانیکه ماشین عظیم سرکوبگر نظامی اش - دستگاه عریض و طویل اداری فاسد شده اش را در دست دارد ، همانطوریکه تجربه 27 ساله این حکومت خون و شمشیر نشان داده است ؛ با هزاران تقلب و حيله و با بوجود آوردن هزاران موانع عملی هرگز اجازه نخواهد داد که نمایندگان نیرو های انقلابی به این انتخابات راه پیدا کنند ، تا چه رسد باینکه نماینده ای برای حکومت ائتلافی آینده در مجلس داشته باشند .

دوماً :

از آنجایی که امپریالیست ها با هدف منافع غارتگرانه همواره بدنبال برپایی چنین حکومت های ائتلافی (متشکل از نیروهای ضد انقلابی) هستند . آنان (امپریالیست ها) بخوبی آگاهند که وجود نیروهای انقلابی در چنین مجالسی ، حتی اگر دارای نیروی اندکی هم باشند برایشان چقدر خطر آفرین خواهد بود . لذا با تمام قدرت و نیرو ، با استفاده از ماشین عظیم تبلیغات سازی می کوشند با همان ترفندهای فریبکارانه که در کشورهای خودشان بدان مشغولند ، از ورود نمایندگان واقعی مردم در این حکومت ائتلافی جلوگیری بعمل آورند . و در بهترین شرایط : حکومت های ائتلافی از نوع حامد کرزای در افغانستان و احمد چلیبی و یا ایاد علاوی در عراق را بوجود آورند . حکومت هایی که دست نشانده امپریالیست ها و در جهت منافع انحصارات امپریالیستی می باشند . حکومت هایی که می باید قوانین و احکام سازمان تجارت جهانی ، بانگ جهانی و صندوق بین الملل (اهرم های اقتصادی- سیاسی امپریالیست ها) را بپذیرند .

ما امروزه شاهد وجود چنین حکومت های ائتلافی هم در افغانستان و هم در عراق می باشیم و می بینیم که حاصل این حکومت های دست نشانده ، چیزی جز دریایی از درد و رنج ، فقر و سیه روزی برای مردم این دو کشور نبوده است . بنابراین آزموده را نباید آزمود بلکه باید آنرا بکار بست .

سؤال دیگری که می تواند مطرح باشد چنین است : اگر مردم ایران بخاطر تنفر شدیدی که از رژیم اسلامی دارند و فکر می کنند با نظارت سازمان ملل می توانند به حکومت دل خواه خودشان دست یابند ، وظیفه نیروهای انقلابی و آزادیخواهان واقعی در چنین شرایطی چه می باشد ؟ و یا بیان دیگر : آیا بخاطر اینکه ماهیت تمامی جناحهای رژیم ضد انسانی است و سازمان ملل بمثابة ابزار سیاسی همواره در جهت منافع امپریالیست ها (به نمونه های عملکرد این سازمان در عراق در طول 10 سال تحریم اقتصادی که منجر به مرگ یک میلیون و 800 هزار تن افراد بیگناه که بیشتر آنانرا کودکان تشکیل می دادند - و یا عدم برخورد قاطع این سازمان بی بو و خاصیت به جنایات 40 ساله صهیونیست های اسرائیلی علیه خلق فلسطین نظر افکنید) عمل کرده است ، باید نشست و دست روی دست گذاشت تا آلترناتیو قدرتمند بوجود آید ؟

پاسخ این سؤال بطور قطع منفی می باشد . همانطوریکه توضیح داده شد ، باید تکیه را روی مبارزات مردم گذاشت و نه اینکه به توهم توده ها درباره ماهیت غارتگرانه امپریالیست ها دامن زد . باید با

توضیح منطقی در مورد انتخاباتی که بخواهد بدون سرنگونی رژیم ، از بالا و با تغییراتی در چهار چوب همین رژیم انجام شود ، با نشان دادن نمونه های عملی آن در کشور های همسایه افغانستان و عراق به آگاهی مردم در شناخت از ماهیت این گونه انتخابات کمک کرد . باید به مردم گفت : انتخاباتی می تواند آزاد و دموکراتیک باشد که بر ویرانه های سرنگون شده رژیم برگزار گردد . همچنین در این راستا با شعار های درست مردم را قدم بقدم هر چه بیشتر به صحنه مبارزه علیه رژیم کشاند . هر چه شرکت مردم در صحنه مبارزات اجتماعی – سیاسی بیشتر باشد ، یک قدم به مرگ رژیم نزدیکتر خواهیم شد و امکان شرکت انقلابیون و آزادیخواهان واقعی هر چند کم ولی تا حدودی جهت شرکت در مبارزات انتخاباتی فراهم می گردد . در واقع از این طریق است که مردم قادر خواهند شد راه درست مبارزه را دریابند و تحت رهبری یک آلترناتیو پرولتاری برای نبرد سرنوشت ساز بسیج و سازماندهی گردند .

نتیجه :

دو راه در مقابل مردم قرار داده می شود .
راه اول ؛ تکیه را بر توده های مردم می گذارد و رهائی را بدست مردم ایران در انقلاب می داند .
راه دوم ؛ تکیه را بر امپریالیست ها می گذارد و رهائی را در وابستگی به امپریالیسم در قالب فراندوم تجویز می کند .
راه اول با تکیه بر حقایق تاریخی توده های مردم را از نزدیکی با درنده خویان تاریخ برحذر می دارد .
راه دوم با چشم بستن بر اقیانوسی از جنایات بربرمنشانه امپریالیست ها ، مردم را به نزدیکی با غدارترین دشمنان بشریت تشویق می کند .
پر واضح است کسانی که بر این همه جنایات بربرمنشانه امپریالیست ها بسرکردگی آمریکا علیه مردم ، در فلسطین – افغانستان- عراق و ... چشم می بندند ، دوستان حقیقی مردم نیستند بلکه دشمنان واقعی مردم اند .
مردم ایران از دیر زمانی است که با عدم شرکت خویش در انتخابات شوراهای شهر – با تحریم انتخابات مجلس هفتم ، در عمل مهرباطل بر جبین فراندوم طلبان کوبیدند و راه اول یعنی راه انقلاب را بمتابیه یگانه راه رهائی از یوغ جباران زمانه انتخاب کردند . راهشان مستدام و انقلابشان پیروز باد !
بامید آن روز فرح بخش .

بهمن ادیب دسامبر 2004